

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در

پانسکو



هو العزيز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ویرایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

با جستارهایی از:

محمد آقاسی، علیرضا آقاییوسفی، ریحانه اصلان زاده، سیدمهدی اعتمادی فرد، آرمین امیر، حسین ایمانی جاجرمی، یاسر باقری، عبدالله بیجرانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه توحیدلو، مجتبی توسل، حمیدرضا جلایی پور، ریحانه جوادی، محمدرضا جوادی یگانه، ابراهیم حاجیانی، مهدی حسین زاده فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی خوبی، مجتبی دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد مهدی رحمتی، مهدی روزخوش، سعیده زادقناد، احسان سلطانی، احسان شاه قاسمی، غلامرضا صدیق اورعی، رضا صفری شالی، عباس عبدی، حامد طالبیان، حمید طاهری، فاطمه سادات علمدار، فردین علیخواه، موسی عنبری، غلامرضا غفاری، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی، نعمت الله فاضلی، مقصود فراستخواه، جولان فرهادی بابادی، ناصر فکوهی، مجید فولادیان، سید احمد فیروزآبادی، محمدامین قانع راد، علی قنبری، محمدرضا کلاهی، مسعود کوثری، رضا مختاری اصفهانی، علیرضا مشهدی زاده، محمد معماریان، مهدی منتظری مقدم، نوح منوری، سیدجواد میری، سیدعبدالامیر نبوی، آرش نصر اصفهانی، عباس نعمتی، سیدضیاء هاشمی، سیده راضیه یاسینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی امیری

به کوشش:

محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیجرانلو



۱۳۹۵



عنوان و نام پدیدآور	مشخصات نشر	مشخصات ظاهری
جستارهایی در پلاستیک/ به کوشش محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو. با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.	۵۲۱ص.
	وضعیت فهرست‌نویسی فیبا	رده‌بندی دیویی
	۳۴۷/۳۶۳	
موضوع	بلاها - - جنبه‌های جامعه‌شناختی.	
موضوع	رسانه‌ها و افکار عمومی.	
موضوع	مسائل اجتماعی - ایران - تهران.	
موضوع	مدیریت بحران - ایران - تهران.	
موضوع	بلاها - - آینده‌نگری.	
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ج ۲ / HV ۵۵۳	

جستارها





پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
به کوشش: محمدرضا جوادی یگانه، جبار
رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو.
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر
فرهنگ و ارشاد اسلامی
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده
روی جلد: از مجموعه «ایستاده در غبار»،
اصغر خمسه. خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir

فهرست مطالب

پلاسکو از آغاز تا پایان ۷

مدیریت و سیاست شهری

- گزارش ملی پلاسکو / محمد فاضلی ۱۵
- پیام پلاسکو / سید ضیاء هاشمی ۲۵
- مدیریت شهری و درس های پلاسکو / حسین ایمانی جاجرمی ۳۱
- تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر / ناصر فکوهی ۳۵
- ماجرای «پیک نیک» و جامعه شناسی «پلاسکوها» / موسی عنبری ۴۳
- فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری / محمد امین قانع راد ۴۹
- آتش پلاسکو روشن است! مگر... / مجتبی توسل ۵۷
- فاجعه ساختمان پلاسکو و درس هایی که نمی آموزیم / حسین راغفر ۶۵
- مسئولیت شهرداری در حادثه پلاسکو / علیرضا مشهدی زاده ۷۱
- مدیریت فرسوده / سید عبدالامیر نبوی ۷۹
- خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو / محمد مهدی رحمتی ۸۷
- هزینه های استهلاک و بی توجهی به آن در پلاسکو / غلامرضا صدیق اورعی ۹۷
- ساختارهای خالق حادثه ساختمان پلاسکو / احسان سلطانی ۱۰۳
- آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان / رضا مختاری اصفهانی ۱۱۱
- چتری برای پلاسکو / یاسر باقری ۱۱۹
- قربانیان نامرئی پلاسکو / آرش نصر اصفهانی ۱۲۹
- عدم توازن امنیت حیات ایرانی / مهدی حسین زاده فرمی ۱۳۵

فرهنگ و جامعه

- ۱۴۳ پرسش پلاسکو / نعمت‌الله فاضلی
- ۱۵۵ پلاسکو و امر نمی‌دانم / سیدجواد میری
- ۱۶۱ با پلاسکو می‌توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی پور
- ۱۶۹ ققنوس پلاسکو و تکوین مقوله «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
- ۱۷۵ ساختمان پلاسکو و احساس بی‌پناهی مردم / محمدجواد غلامرضا کاشی
- ۱۸۷ حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتماد / غلامرضا غفاری
- ۱۹۵ ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
- ۲۰۳ اعتماد؛ کلید جامعه خود-ترمیم‌گر / فردین علیخواه
- ۲۰۹ پلاسکو و نشانه‌شناسی یک ازدحام / مقصود فراستخواه
- ۲۱۵ پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیان
- ۲۲۵ بررسی زمینه‌های بحران پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی / مهدی اعتمادی‌فرد
- ۲۳۳ ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی / مجتبی دلیر

اخلاق اجتماعی و خلیقات ایرانی

- ۲۴۳ آیا مردم هم در فروریختن پلاسکو مقصرند؟ / محمدرضا جوادی یگانه
- ۲۵۱ حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی / محمدرضا کلاهی
- ۱۶۲ حادثه پلاسکو و مظلونان همیشگی: «مردم» / مهدی روزخوش
- ۲۷۱ تقدیرگرایی، گم‌گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
- ۲۷۹ همه ایرانی‌اند، بعضی‌ها ایرانی‌ترند / آرمین امیر
- ۲۸۹ پلاسکو، فقدان همدلی در زیست جمعی ایرانی / علی قنبری
- ۲۹۹ آیا آنها گوسفندند؟ / فاطمه سادات علمدار
- ۳۰۹ فرایند اندیشه نسلی؛ آنچه که انجام می‌دهیم / مهدی منتظری‌مقدم
- ۳۱۷ مناسک پلاسکو / سعیده زادقناد

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

- ۳۲۷ پلاسکو: سیلی سخت فاجعه / مسعود کوشری
- ۳۴۱ تصویری از رسانه‌ای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
- ۳۴۷ درباره روایت رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خوبی
- ۳۵۵ ۱۲۴ دقیقه تعلیق / محمد معماریان
- ۳۶۵ اختلال رسانه‌ای و نقص جامعه‌پذیری / عباس عبدی

- ۳۷۱ مصیبت به منزله درنگی برای آینده / سمیه توحیدلو
- ۳۸۱ پلاسکو در ذهن مردم فروریخت / عباس نعمتی و حمید طاهری
- ۳۸۷ درس‌های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۹۵ سرکشی تحمل‌ناپذیر نمادها / ناصرالدین علی تقویان
- ۴۰۵ که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد / ریحانه جوادی
- ۴۱۷ حادثه ساختمان پلاسکو و افکار عمومی / رضا صفری شالی
- ۴۲۵ اختلال جمعی / علیرضا آقاییوسفی
- ۴۳۳ سلفی‌بگیران پلاسکو / احسان شاه قاسمی
- ۴۴۱ خوش‌حالی‌ها و خوش‌بختی‌های رسانه ملی / نوح منوری
- ۴۴۷ فاجعه پلاسکو: امکان بسیج اجتماعی و نقش رسانه‌ها / حامد طالبیان
- ۴۵۵ شوک درمانی افکار عمومی و دیگر هیج / محمد آقاسی
- ۴۶۱ کنش سیاسی و عکاسی از فاجعه / ریحانه اصلانزاده

برای آینده

- ۴۷۱ از فروریزش نماد مدرنیته تا برساخت فرهنگ رشادت / سیده راضیه یاسینی
- ۴۸۱ علاج واقعه / جولان فرهادی بابادی

مدیریت و سیاست شهری



فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری در تهران

محمد امین قانع‌راد

استاد جامعه‌شناسی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

ساختمان پلاسکو با قدمت بیش از نیم قرن، در جلوی چشم حیرت زده همگان سوخت و فروپاشید و تعدادی از آتش‌نشانان خدمت‌گزار و شهروندان حاضر در حادثه را به کام خود کشید. فروپاشی ساختمان پلاسکو، متعاقب آتش گرفتن بخش‌هایی از این ساختمان رخدادی فاجعه‌گون و غم‌انگیز و در عین حال برای افکارعمومی نیز رویدادی مهم بود. ساختمان پلاسکو، در خاطره تهرانی‌ها و حتی در خاطره مهاجرین دهه‌های چهل و پنجاه شمسی به بعد، جایگاه خود را داشت و حسی نوستالژیک را برمی‌انگیخت.

برای دستیابی به راهبردهای آینده و درس گرفتن از این حادثه غم‌انگیز، باید از خود ساختمان و غوغای درونی‌اش – همچون ازدحام

رفت و آمد انبوه کسبه، کارکنان، کارگران و دیگر آدمیان؛ تراکم طبقات و غرفه‌های کوچک و بعضاً لانه زنبوری در برخی از بخش‌های این ساختمان؛ انبوه لباس و پوشاک با مواد قابل اشتعال چون پنبه و پلاستیک؛ فقدان امکانات و تجهیزات ایمنی - فراتر رفت و به تهران و الگوی توسعه آن و مردمان‌اش نگریست. فرو ریختن یکی از مهمترین سازه‌های شهری تهران را می‌توان به عنوان نمادی از آشفتگی الگوی توسعه شهری در تهران تلقی کرد؛ بخشی زیاد از مشکلات مربوط به امداد رسانی در حادثه مزبور، به الگوی طراحی فضاهای شهری در این کلان پایتخت و بخش دیگری نیز به رفتار شهروندان باز می‌گردد. الگوی فضاهای شهری در تهران، به گونه‌ای است که حتی گاه یک حادثه کوچک از جمله تصادف دو خودرو، کل حمل و نقل عمومی تا شعاعی وسیع را دچار اختلال می‌کند.

از مدت‌ها پیش، برای بسیاری روشن شده بود که این ساختمان، نه تنها در برابر حریق ایمنی ندارد، بلکه اساساً خسته است. زمین در پیرامون آن به دلیل تراکم ساخت و ساز و ساختمان‌های مرتفع، دچار فرونشست شده و در برخی مناطق این فرونشست‌ها، بنیان‌های ساختمان‌ها و برج‌ها را درگیر خود کرده است و خسارت‌هایی سترگ در حال ظهورند. در این میان، فرونشست‌ها حتی دامن آثار تاریخی همچون کاخ گلستان را نیز گرفته است. منطقه چهارراه استانبول، به دلیل نزدیکی به بازار و وجود ساختمان‌های بسیار و خارج از ظرفیت خاک و زمین، خود را به سختی سرپا نگه می‌دارد. در واقع، منطقه‌ای که در آن، این حادثه رخ داد به‌طور عادی درگیر ازدحام، شلوغی و تراکم است. در واقع در اطراف پلاسکو و قلمروی بازار، منطقه‌ای تجاری با تراکم زیاد مراکز متعدد تولیدی، خدماتی و بازرگانی و انبوه تیمچه‌ها، کارگاه‌ها و پاساژهایی مترکم وجود دارد که به دلیل همین تراکم و محدودیت‌های فضایی، امکان خدمات‌رسانی به آن‌ها



در شرایط بحران وجود ندارد. اما فراتر از منطقه حادثه، تهران در کلیت خود با فشرده‌گی اماکن، انسان‌ها و سیستم حمل‌ونقل شهری مواجه است که این تراکم در کنار عدم رعایت ضوابط لازم از طرف شهروندان و حتی برخی نهادهای وابسته به بخش دولتی، برای مدیریت بحران، محدودیت‌هایی راهبردی ایجاد می‌کند. در نگاهی گسترده‌تر، کوچه‌ها و خیابان‌های تهران با عرض کم و ساختمان‌ها و برج‌های مرتفع، امکانات خدمات‌رسانی در زمان اتفاقات غیرمترقبه و از جمله در هنگام زلزله احتمالی را کاهش می‌دهند؛ خیابان‌های فرعی و کوچه‌هایی که امکان عبور هم‌زمان دو ماشین آتش‌نشانی و آمبولانس در آن وجود ندارد و در عین حال به دلیل حجم بالای تراکم و مرتفع‌سازی، به پارکینگ اتوموبیل‌ها تبدیل شده‌اند. بدون تغییر دادن الگوهای طراحی فضاهای شهری، باید انتظار ناکامی‌های مشابه را در موقعیت‌های مشابه داشت.

گفته می‌شود، مسئولان شهری متوجه نایمی ساختمان پلاسکو بوده‌اند و پیش از این در این خصوص هشدار داده بودند. چرا این مسئولان به هشدار بسنده کرده و اقدامی مؤثرتر انجام ندادند؟ شهرداری، بارها از فعالیت‌های مراکز گوناگون و حتی برخی از سازمان‌های دولتی به دلیل بدهکار بودن آن‌ها به شهرداری، جلوگیری به عمل آورده است، چرا از ادامه کار این ساختمان تا رفع مشکلات رایج، جلوگیری نشده است؟ پیش‌نگری در مدیریت بحران، حرف اول را می‌زند و بنابراین مسئولان شهری باید با پیش‌بینی و تدبیر و قبل از ایجاد موقعیت‌های اضطراری و فاجعه‌آور، به استقبال چالش‌های شهری بروند.

به نظر می‌آید که در الگوی رایج مدیریت بحران، بیشتر بر عملیات میدانی - از جمله فعالیت آتش‌نشانان - تأکید می‌شود و تحلیل راهبردی از موقعیت/حادثه، جایگاه مهمی ندارد. تحلیل راهبردی موقعیت



میدانی می‌توانست، سیر حادثه و احتمالات گوناگون از جمله امکان/ احتمال فروپاشی ساختمان بر اثر تداوم آتش‌سوزی و سایر احتمالات دیگر را تجزیه و تحلیل کند. در شرایط بحران، باید موقعیت‌ها تحلیل شوند نه این‌که صرفاً افرادی را برای انجام اقدامات موضعی روانه کرد. در موقعیت‌های بحرانی، تحلیل‌گران حادثه باید هوشمند و دارای نگاه استراتژیک باشند و سریعاً اطلاعات را از میدان به دست آورده و آن‌ها را تحلیل و فعالیت‌های عملیاتی را با این نگاه هدایت کنند. اگر برخلاف مفروضه این نوشتار، حادثه ساختمان پلاسکو، به‌طور راهبردی مدیریت می‌شده است، تحلیل‌های موقعیتی باید در اختیار شهروندان قرار گیرد.

نکته دیگر از یک‌سو به رفتارهای مشارکتی مردم و از سوی دیگر به ناتوانی مسئولان از بهره‌گیری از انگیزه‌های مشارکت مردم باز می‌گردد. مشارکت، اغلب با یک بعد هیجانی و عاطفی شروع می‌شود و سپس از طریق عقلانیت فردی یا نهادی، به کاهش رنج‌ها، بهبود منافع عمومی و توجه بیشتر به مصالح مشترک مردم می‌انجامد. به نظر می‌رسد در کنار تقویت فرایندهای آموزشی برای تقویت توانش‌های فردی به‌منظور ارزیابی موقعیت‌ها و دنبال کردن الگوهای خویش‌دارانه‌تر و عقلانی‌تر مشارکت، باید به تقویت سازوکارهای نهادین برای شکل دادن به رفتار مشارکتی مردم در جهت منافع عمومی جامعه نیز اندیشید. از یک‌سو شهروندان باید در موقعیت‌های اضطراری از ارضای کنجکاوی‌های شخصی خودشان برای منافع بزرگ‌تر چشم‌پوشند و از سوی دیگر برای جلوگیری از تبدیل حضور مردم به مانعی در راه امدادسانی باید برنامه‌های روشنی را نیز برای هدایت مشارکت‌های مردمی در این شرایط تدوین کرد.

در همین راستا، مردم حاضر در حادثه پلاسکو را بر حسب انگیزه‌های حضورشان می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: برخی برای



نگاه کردن آمده بودند و این پدیده را به نحوی کارناوالیزه و به بخشی از اوقات فراغت خود تبدیل کردند. بخشی از اینان آمادگی دارند به فاجعه خیره شوند و در عین حال اوقات فراغت خود را پر کنند. شهروندان، فرصت‌های کمی برای ابراز وجود دارند و به این دلیل از هر موقعیتی برای نمایش خویش استفاده می‌کنند و در غیاب عرصه‌های اصیل مشارکت اجتماعی، در عرصه‌های اتفاقی حضور می‌یابند تا به کنجکاو‌ی خود پاسخ دهند. در شرایطی که فرصت‌های واقعی مشارکت کاهش پیدا می‌کند، مردم برای احساس خوداثربخشی، دنبال مشارکت‌های جایگزین می‌گردند. در این میان کسانی از راه دور و نزدیک در پی این برآمدند که نقش شهروند-خبرنگار را ایفا کنند. اینان هم کنجکاو‌ی‌ها و نگرانی‌های یک شهروند عام را داشتند و هم می‌خواستند بگویند ما در بطن ماجرا حضور داشتیم و دیدیم چه اتفاقاتی رخ داد؛ و سرانجام این که با انتشار اخبار در شبکه‌های اجتماعی خود، حس مهم بودن خویش را ارضا کنند. به نظر می‌رسد در ماجرای آتش‌سوزی/فروپاشی ساختمان پلاسکو، به دلیل حساسیت رسانه‌های رسمی و غیر رسمی در مقیاس شهری، ملی و بین‌المللی، تقریباً خلأ حاد خبری و اطلاع‌رسانی وجود نداشت. حادثه ساختمان پلاسکو حادثه‌ای نبود که آن را بتوان پنهان کرد. نیاز به شهروند-خبرنگار زمانی ایجاد می‌شود که گرایشی از جریان رسمی می‌خواهد برخی از اخبار را مسکوت بگذارد. اینان در فقدان نیاز واقعی به شهروند-خبرنگار، در عمل، به شهروند-مزاحم تبدیل شدند و با حضور خود از سرعت کنترل پیامدهای منفی موقعیت مزبور کاستند. پدیده شهروند-خبرنگار، ریشه در واقعیت‌های مجازی شدن فرهنگ دارد. در این شرایط با گسترش آگاهی شهروندان، نوعی مطالبه‌گری خبری ایجاد شده و همه می‌خواهند بدانند چه اتفاقی افتاده است و همچنین می‌خواهند شخصاً در تولید خبر و منتقل کردن آن به شبکه‌های اجتماعی سهمی داشته باشند؛ این گرایش در صورت



عدم پیوند با اخلاق مدنی می‌تواند مشکل‌ساز باشد. پدیده شهروند-خبرنگار، در صورتی می‌تواند در خدمت شناخت و حل بهتر مسائل شهری قرار بگیرد که از دو ویژگی سواد شهروندی و سواد رسانه‌ای برخوردار باشد؛ تولید خبر و تحلیل آن توسط شهروندان، تنها با گسترش این آگاهی‌های اخیر می‌تواند به بهبود زندگی در شهر کمک کند.

دامنه حضور مردم، البته انگیزه‌های مشارکت و تعاون و همراهی را نیز در برمی‌گرفت. برخی می‌خواستند با حضور خود به آسیب‌دیدگان این حادثه کمک کنند. اینان با نگرانی شخصی و برای مشارکت و هم‌دلی در این ازدحام حضور داشتند. تعدادی از آنان، اقوام و دوستان و آشنایان شاغلان در ساختمان و حتی آتش‌نشانان بودند. کسبه و پیشه‌وران پیرامون و نیز کارگران تولیدی‌های اطراف نگران بودند و فکر می‌کردند حضور آنان از عمق فاجعه خواهد کاست. اینان با اضطراب آمده بودند و قصد داشتند، حس هم‌دردی خود را نشان دهند و می‌خواستند از نزدیک برای کاهش رنج افراد درگیر در حادثه، کاری بکنند و گامی بردارند. بالاخره در موقعیت‌های بحرانی، باید احتمال حضور قشرهای حاشیه‌نشین و محروم شهری و دارای آمادگی برای رفتارهای بزهکارانه را نیز در نظر گرفت. اگر ساختمان پلاسکو فرو نمی‌پاشید ممکن بود این ساختمان در غیاب احتمالی پیشه‌وران و فقدان کنترل‌های دیگر، پس از اطفای حریق به صحنه‌ای برای غارت هم تبدیل می‌شد.

شهروندان، جدای از نیت‌های متفاوت خود، و در فقدان نگرش مشارکتی وسیع، مانع امدادسانی به حادثه‌دیدگان شدند و شرایط را پیچیده‌تر و کارها را مشکل‌تر کردند؛ آن بخشی از مردم که برای کمک‌رسانی و هم‌دلی به دلیل ایجاد ازدحام و انسداد به جای حل مسئله و کمک به مدیریت بحران، تولید مشکل کردند و به همین دلیل می‌شود گفت یک فاجعه فرهنگی رخ داد و نیت‌های خیری که به میدان آمده بود، منجر به نتایج ناخوشایندی شدند.



شهروندان البته باید به درکی وسیعتر از الزامات اخلاق مدنی و مشارکتی دست پیدا کنند ولی تکوین اخلاق مدنی را به طور هم‌زمان باید در رفتار شهروندان و مسئولان جست‌وجو کرد. شهروندان، وقتی آشفته‌گی‌هایی در رفتار سیاست‌مداران و مدیران شهری می‌بینند، ناخواسته از اخلاق مدنی و رفتارهای اخلاق‌مند فاصله می‌گیرند. با تشکیل شوراهای شهر، نهاد شهرداری، استقلال زیادی از دولت پیدا کرده است، در حالی که ارتباط زیادی هم با بدنه جامعه ندارد؛ شهرداری در همه جای دنیا، نهادی غیردولتی است و به‌نحوی با مردم ارتباط دارد و در مقابل مردم هم پاسخ‌گوست و به نوعی حکومتی محلی به‌شمار می‌آید، اما در ایران، شهرداری‌ها از دولت استقلال پیدا کرده‌اند و به‌طور مثال حرف وزیر مسکن و شهرسازی در شهرداری خریدار ندارد و از سوی دیگر، هیچ نظارت نظام‌مندی هم از طرف مردم بر آن‌ها اعمال نمی‌شود. شوراهای شهر به بخشی از فرایند فساد شهری تبدیل شده‌اند. باید شیوه‌ای ایجاد کرد که حد و حدود اختیارات شهرداری‌ها و الگوی پاسخ‌گویی آن‌ها مشخص شود. در فقدان نظارت نهادین بر عملکرد شهرداری‌ها، نمی‌توان سرنوشت میلیون‌ها شهروند را به این نهاد مختار سپرد. ارتباطات شخصی، بین اعضای شورای شهر و مدیران شهری و نبود نظارت مردمی و از آن طرف نظارت ضعیف دولتی، همگی دست‌به‌دست هم داده و زمینه‌های فساد در مدیریت شهری را گسترش داده‌اند.

به نقطه‌ای بحرانی در تهران رسیده‌ایم و باید تصمیمی جدی گرفته شود و به‌ویژه این که شهرهای دیگر از الگوهای توسعه‌ای تهران تبعیت می‌کنند. تهران، به دلیل غلبه الگوی توسعه نامتوازن در کشور، از فشردگی و تراکم جمعیت برخوردار است. هر روز بر جمعیت منطقه کلان‌شهری تهران - که در بهترین حالت ظرفیت چهار میلیون نفر را دارد نه ۱۵ میلیون نفر- افزوده می‌شود؛ افزایش جمعیت با فراتر



رفتن از ظرفیت‌های اقلیمی و زیست‌محیطی و زیرساخت‌های شهری، امنیت زندگی در این شهر را تهدید می‌کند. تهران، توان توسعه بیش از این اندازه را ندارد و به همین دلیل باید به سوی جریان معکوس جمعیت حرکت کرد و باید دید چگونه با برنامه‌های حساب‌شده، می‌توان این جمعیت را به سایر مناطق کشور هدایت کرد. باید از این حادثه درس گرفت و دید برای جلوگیری از تکرار این وضعیت در موقعیت‌های بحرانی مشابه، برای تهران چه می‌توان کرد؟ در این شرایط می‌توان، خواستار متوقف کردن اضطراری صدور هر نوع مجوز برای ساخت برج‌های جدید به اسم توسعه تهران بود و حتی هر نوع گسترش شهر تهران را به مثابه جرم اجتماعی و عامل تهدید سلامت و زندگی روزانه شهروندان تلقی کرد و به‌طور خاص از توزیع رانت‌های شهری به افراد و گروه‌های خاص در قالب مجوزهای ساخت‌وساز و واگذاری تراکم جلوگیری کرد. امیدواریم شاهد گسترش این درک باشیم که شیوه کنونی اداره و توسعه شهر، دیگر تناسبی با جامعه در مخاطره‌آموزی ندارد و برای استقبال از آینده بهتر برای زندگی شهروندان، باید دنبال مفهومی انسانی‌تر از شهر در همه ابعاد آن بود.





فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی
فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی